

## جعبه‌ی کلمات

### کلمات مترادف

جهان‌افروز: روشن‌کننده‌ی جهان

دل‌انگیز: مطلوب

غوک: قورباغه

برکه: آبگیر

ایجاد کردن: پدید آوردن

آویخت: .....

قشر: .....

لفکند: .....

داوری: .....

ارغوانی: .....

انبوه: زیاد

جلا دادن: .....

گلگون: .....

سراغ: .....

زینت داد: .....

تاب نیاوردند: تحمل نکردند

رمه: .....

ضخیم: .....

نیلی: .....

چیره‌دست: ماهر

معرفت: شناخت خداوند

دریغ: .....

پذیرفت: .....

نظاره کنند: .....

مزارع: مزرعه‌ها

براق: بسیار درخشان

خبر داغ: خبر تازه

پراکند: پخش کرد

مهاجر: مسافر

پهنه: میدان، سطح



کردگار: آفریننده، خداوند

دمی: لحظه‌ای

جوی: بیاب، پیدا کن

#### کلمات متضاد

هست ≠ نیست

آهسته ≠ سریع

روشنایی ≠ تاریکی

شروع ≠ پایان

زیبا ≠ زشت

گرم ≠ سرد

متصل ≠ جدا

نهان ≠ آشکار

بهتر ≠ بدتر

#### کلمات هم خانواده

صبح، صبحگاه، صبحانه

جوی، جوینده

روشن، روشنایی

بقیه، باقی، باقیمانده

هنرمند، هنر‌نمای، هنر

طبیعت، طبع، طبیعی

سطح، مسطح، سطوح

اثر، تأثیر، آثار

معرفت، عرفان، معروف

تصویر، تصاویر، صورت

مهاجر، هجرت، مهاجرت

نهان: پنهان، مخفی

صبحگاه: هنگام صبح

ناپدید = آشکار

سفید = سیاه

سنگین = سبک

سؤال = جواب

نیکی = بدی

تیره = روشن

نازک = ضخیم

براق = کدر

دشوار = آسان

مزارع، مزرعه، زراعت

نقش، نقاش، نقشه

هوشیار، هوش، باهوش

نخست، نخستین

زینت، تزیین

پهن، پهنه، پهناور

زیبا، زیبایی، زینت

منظره، نظر، ناظر

انتظار، منتظر

قشر، اقشار

تصمیم، مصمم